



.....	۵۷۱
.....	۵۸۱
.....	۷۲۱
.....	۷۰۲
.....	۵۱۱
.....	۷۷۱
.....	۲۲۱
.....	۲۹۱

## فهرست

.....	۷
.....	۱۱
.....	۳۷
.....	۴۱
.....	۴۷
.....	۵۱
.....	۷۳
.....	۸۳
.....	۹۳
.....	۹۷
.....	۱۱۹
.....	۱۲۷
.....	۱۳۵
.....	۱۶۵
.....	۱۷۱

پسر دیکتاتور.....	۱۷۵
چشم پوشی.....	۱۸۵
جشن تولد شش سالگی.....	۱۹۷
چشم بند.....	۲۰۷
آقا و خانم شین منتظر مهمان هستند.....	۲۱۵
مرد مورد اطمینان ما.....	۲۳۷
امتحان.....	۲۴۹
پایان یک جنگ.....	۲۶۳

.....	۷
.....	۱۱
.....	۷۲
.....	۱۲
.....	۴۲
.....	۱۵
.....	۲۷
.....	۲
.....	۷۴
.....	۵۲۱
.....	۵۹۱
.....	۱۲۱

در این کتاب، نویسنده به بررسی زندگی و آثار ادبی و فلسفی دکتر زین‌العابدین لنتس پرداخته است. در این کتاب، نویسنده به بررسی زندگی و آثار ادبی و فلسفی دکتر زین‌العابدین لنتس پرداخته است. در این کتاب، نویسنده به بررسی زندگی و آثار ادبی و فلسفی دکتر زین‌العابدین لنتس پرداخته است.

### پیشگفتار

زیگفرید لنتس در شرحی از زندگانی‌اش با عنوان «مثلاً من» که در سال ۱۹۶۶ منتشر کرد، می‌گوید که چگونه بهار ۱۹۴۵ پس از غرق شدن ناو جنگی که در آن، روی آب‌های دانمارک خدمت می‌کرد، جنگ را برای خودش تمام شده تلقی کرده بود. شبی پس از آنکه شاهد تیرباران یک ناوی از جنگ گریخته بود، مسلسلی برداشت و خودش را در جنگل پنهان کرد. نوزده سالش بود و برای نخستین بار کاملاً تنها؛ متکی و پاسخگو به خودش. دو سال پیش از آن ناآگاه، داوطلب هر نوع فداکاری، به ارتش آلمان نازی پیوسته بود. اکنون بیدار و هشیار از تصورات باطل، تنهایی و وظیفه برای خودش می‌شناخت: «می‌خواستم زنده بمانم.»

از اسارت انگلیسی‌ها که رها شد، در هامبورگ به تحصیل فلسفه و ادبیات پرداخت و خواند و خواند و خواند؛ هرچه در آلمان غربی خوانده می‌شد: ارنست همینگوی، ویلیام فاکنر، تورتن وایلدنر، جان اشتین‌بک، توماس ولف، تئودور درایزر. بعدها گفت: «انتقادی نمی‌خواندم. - باید اعتراف کنم به خواندن معتاد شده بودم.» ادبیات جوان آمریکا برایش «مانند کشف تازه‌ای از جهان بود.» این اعتیاد به خواندن، چیزی که امروز به تصور هم نمی‌آید، آن روزها میان بسیاری از جوانان آلمانی رایج بود.

زمان، زمان داستان‌های کوتاه آمریکایی بود و زیگفرید لنتس خودش اعتراف می‌کند، مانند بسیاری از نویسندگان آلمانی پس از جنگ، سخت تحت تأثیر نویسندگان معاصر آمریکایی، به‌ویژه ارنست همینگوی بوده است. این تأثیر را در

داستان‌های کوتاه، در ابتدای کارش به سادگی می‌توان مشاهده کرد؛ داستان‌هایی مانند: «شب در هتل» (۱۹۴۹) و «ملاقات بین دو ایستگاه» (۱۹۵۰) در سال ۱۹۴۸ تحصیل را نیمه‌کاره رها کرد و به همکاری داوطلبانه با روزنامه‌ی «دی‌ولت» پرداخت. داستان‌های کوتاهی که آن وقت می‌نوشت، در روزنامه چاپ می‌شد.

پس از انتشار رمان «شاهین‌ها در هوا بودند» در سال ۱۹۵۱ نویسنده‌ی مستقل شد. از همان داستان‌های نخستین‌اش می‌شود تشخیص داد که لنتس موضوع‌های بزرگ و سبک ویژه‌ی خود را پیدا کرده و از الگوهایش بریده است؛ با اینکه تا به امروز مرتب سبک‌های تازه‌ای برای نگارش انتخاب می‌کند. اوایل دهه‌ی پنجاه میلادی که لنتس سی و اندی سال دارد، داستان‌های کمی بلندتر و بسیار هیجان‌انگیز: «دوردست همین جاست» و «دونده» را خلق می‌کند که سبکی کاملاً ویژه‌ی خودش را دارد. او موضوع برای نوشتن کم ندارد. در جنگ به قدر کافی تجربه اندوخته و پس از آن با نگاهی منتقدانه جامعه‌ی آلمان غربی را به دقت زیر نظر گرفته است. مسافرت، زیاد می‌کند و بعضی از این سفرها دست‌مایه‌ی نوشتن داستان برایش می‌شود؛ مانند سفرش به کنیا و داستان «لوکاس خدمتکار نرم‌خو».

پس از سال ۱۹۴۵، نویسندگان جوان آلمانی که همه از اسارت آزاد شده بودند؛ مانند زیگفرید لنتس، گوتتر گراس، هاینریش بل، هر روز با واقعیت‌های تازه‌ای از گذشته‌ی کشورشان و جنگ آشنا می‌شدند که وادارشان می‌کرد، از آن دست‌مایه‌ای برای داستان‌های خود بسازند؛ اگرچه هرکدام سبک و سیاق ویژه‌ی خودشان را در این مورد دارند. اغلب نوشته‌های زیگفرید لنتس، داستان‌هایی هم که در این برگزیده آمده است، همین دست‌مایه را دارند. گذشته‌ای که نمی‌شود به سادگی از کنارش گذشت و بر آن چیره شد و هرازگاهی ناخواسته و غیر مترقبه، سر از حال درمی‌آورند؛ مانند داستان: «خطر برای بابانوئل‌ها» و «آقا و خانم شین منتظر مهمان‌هایشان هستند».

لنتس در معروف‌ترین رمان‌هایش مثل: «زنگ انشا» و یا «موزه ملی» مانند

بهترین داستان‌های کوتاه‌اش، مستقیم و یا غیرمستقیم، همیشه تاریخ آلمان را با نمونه‌ای از سرنوشت انسان بیان می‌کند. همیشه انسان تنها را در نظر می‌گیرد. شاید این دلیلی است که چرا بیشتر به داستان‌های کوتاه روی می‌آورد. در سخنرانی‌اش در فرانکفورت، هنگام دریافت جایزه‌ی صلح می‌گوید: «چرا که همیشه مسئله‌ی انسان‌ها تعیین‌کننده است.»

لنتس داستان کوتاه‌نویس است. در داستان‌های کوتاه‌اش بسیار جسورتر از رمان‌هایش است. بعضی از این داستان‌ها مانند آخرین داستان این برگزیده: «پایان یک جنگ» از آثار به‌یادماندنی عصر ما هستند.

### هلموت فریلینگ هاس

هلموت فریلینگ هاس (۱۹۰۸-۱۹۸۸) نویسنده‌ی آلمانی است که در دهه‌ی بیست و سه میلادی به شهرت رسید. او در سال ۱۹۳۰ با انتشار رمان «درد» به شهرت رسید. این رمان به قدری موفق بود که او را به عضویت در حزب نازی درآورد. او در سال ۱۹۳۳ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۳۴ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۳۵ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۳۶ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۳۷ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۳۸ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۳۹ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۴۰ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۴۱ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۴۲ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۴۳ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۴۴ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۴۵ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۴۶ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۴۷ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۴۸ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۴۹ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۵۰ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۵۱ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۵۲ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۵۳ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۵۴ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۵۵ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۵۶ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۵۷ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۵۸ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۵۹ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۶۰ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۶۱ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۶۲ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۶۳ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۶۴ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۶۵ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۶۶ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۶۷ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۶۸ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۶۹ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۷۰ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۷۱ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۷۲ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۷۳ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۷۴ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۷۵ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۷۶ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۷۷ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۷۸ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۷۹ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۸۰ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۸۱ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۸۲ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۸۳ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۸۴ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۸۵ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۸۶ به عضویت در حزب نازی درآمد. او در سال ۱۹۸۷ به عضویت در حزب نازی درآمد و در سال ۱۹۸۸ به عضویت در حزب نازی درآمد.